

پژوهش های

ایـــــــران شنــــــاسـی

پـرسـش و پـاســخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

مجموعه مقالات وبگاه ایران شنــاسی

میـراث آیینی ایـرانی

www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

سال های

۱۳۸۶-۱۳۹۲

نوشته ی دکترمحمودرضاافتخارزاده

******

میراث ایرانی

(۱)

امامزاده یعقوب را شیر بر فراز مناره درید!

پرسش:

با سلام و عرض تسلیت ایام شهادت مولا علی علیه السلام و درک فضیلت لیالی مبارکه قدر . حقیقتا که سخت متاسف و متاثر از یاوه پراکنی های یک رسانه بیگانه و دشمن ایران و ایرانی شدم که دقایقی پیش برنامه ای زنده داشت و چند نفر از ایادی خویش را در سلک کارشناس آورده بود تا یاوه هایی پراکنندند که از هر جهت بسیار ناصواب و سخت در خطا و تحریف حقایق بود! که به یقین حضرت عالی این برنامه را دیده اید ! به یاد آن مرد شیاد افتادم که در جمع بی سوادان و نادانان در یک کوره ده فریاد می زد : مردم بدانید که امام زاده یعقوب را شیر بر فراز مناره در مصر درید !!! که روزی برحسب اتفاق دانایی درآمد و چون این یاوه و تحریف و دروغ را شنید دلش به حال جمع نادان سوخت و گفت : بدانید که یعقوب نبود و یوسف بود وامام زاده نبود و پیامبرزاده و پیامبر بود ، مصر نبود و کنعان بود ، فراز مناره نبود و ته چاه بود ، شیر نبود و گرگ بود و تازه اصل داستان هم دروغ بود یعنی نه شیری بود و نه گرگی بلکه نقشه برادران حسود یوسف بود !! یکی از این ایادی در لباس روحانی و دیگری موسوم به" مهدی خلجی" قمی که گویا طلبه جامع المقدماتی بوده و به دلیل انحرافات اخلاقی (............)تعزیرواز حوزه رانده شده و به خدمت دستگاه های بیگانه درآمده و در سلک کاردان و کارشناس در خدمت اجانب برای امرار معاش خبث طینت و پلیدی نیت خویش را می نمایاند ! بلی این .... یاوه های بسیار گفت که فزون بر یاوه بودن نشان از جهالت مطلق این مزدور بیگانه داشت ! یاوه هایی در باره کتاب شریف«روضه الشهدا»! یاوه هایی در باره کتاب« شرح نهج البلاغه میثم بحرانی» که مدعی بود در روزگار صفویه و به دستور دربار نوشته شده !! و سرشار از غلو است!!)جهالت و حماقت را ببیند که تا کجاست!!) و روایتی را از «شرح اصول کافی »مرحوم ملاصدرای شیرازی بسیار غلط خواند(افعال را به صیغه معلوم خواند) و بدیهی است که غلط فهمید و به اصطلاح ترجمه کرد! پیداست که این .... مقدمات صرف و نحو عربی را هم نخوانده! زیرا کارش .... بوده است !! خواهش دارم در باره کتاب «روضه الشهداء» که توسط حضرت عالی تحقیق و تصحیح شده و به گونه بسیار شایسته ای سال ها پیش به چاپ رسیده توضیحی بفرمایید . به عرض برسانم که مجری برنامه «افق» موسوم به "........"و" ...." در صدای بیگانه از ایادی فرقه........... هستند .اعظم الله اجورکم . دعاگوی وجود مبارک سید ابوالحسن تقوی.

پاسخ:

۱ - دراین سه دهه حمله به کتاب «روضه الشهداء» از سوی رسانه های بیگانه گاه و بی گاه ادامه داشته و دارد ! شاید دستاویز این حمله ها سخنانی است که به «مرحوم مطهری» منسوب است و گویا که او فتح باب این یاوه گویی ها راکرده است بنابراین وزر و وبال اش بر گردن خود آن مرحوم است و من در همین وبگاه چند سال پیش به این موضوع پرداخته ام![1] آن مرحوم که در دهه ی پنجاه تحت تاثیر فضای چپ زده ی فرهنگی مذهبی قرار داشت و می کوشید تا در دنیوی کردن دین و تفسیر ماتریالیستی آیین از زنده یاد«شریعتی» کم نیاورد لذا آن سخنان روشنفکرانه را زد ! و به پندار خویش با «تحریفات عاشورا»مبارزه کرد ! در حالی که «مرحوم کاشفی» نویسنده کتاب«روضه الشهداء» به گواهی تاریخ و آثارعلمی فلسفی عرفانی تفسیری روایی کلامی ادبی اش از «مرحوم مطهری» بسیار بسیار با سواد تر و داناتر به«تاریخ» بود تا آنجا که مطهری شاگرد کاشفی هم نمی شود ! این حقیقت را آثار بجا مانده از مرحوم کاشفی به روشنی نشان می دهد ! مرحوم کاشفی یک عارف ایرانی اصیل بود ، تازی زده نشده بود و دارای جهان بینی متعالی ایرانی درعرفان و تاریخ بود! دانشمندی اسطوره شناس بود و ساختار «روح ایرانی»و تاریخ ایران را به درستی می شناخت ! او به روزگار بای قراییان (= بقایای تیموریان) در هرات (=پای تخت خراسان بزرگ) می زیست ! در روایت کاشفی «اسطوره و تاریخ» درهم آمیخته و این کار، بسیار آگاهانه انجام یافته است تا فراخور روح و روان و خاطره ی قومی ایرانی باشد ! حقیقتی که مرحوم مطهری آن را درنیافته است چراکه دهه ی پنجاه نقطه ی اوج چپ زدگی و تازی زدگی مذهبی بود ! بینش ماتریالیستی توان تفکرعرفانی و ایرانی را از همه گرفته بود ! کتاب «روضه الشهدا» پیش از «نهضت ملی صفویه» نوشته شده است !

۲ -«شرح نهج البلاغه» ی مرحوم کمال الدین میثم بن علی معروف به« میثم بحرانی»(۶۳۶-۶۷۹هجری) میراث شیعی سده ی هفتم هجری است یعنی سیصد سال پیش از صفویه نوشته شده ! در "دربار "هم نوشته نشده بلکه در" غار کوه" نوشته شده زیرا آن مرحوم ازسوی سنیان ناصبی به جرم «تشیّع» تحت تعقیب بوده است ! این شرح را که شرحی است لغوی،عقلی، نقلی و بسیار مستحکم و مستدل در هنگامه فرار از غاری به غاری نوشته است و در آن هیچ نشانی از «غلوّ» نیست!

---

(۱) نک: میراث ایرانی ۲

میـــراث ایـــرانی

(۲)

پرسش:

باسلام و احترام . نظر مبارک در مورد مطلب زیر که از «استادمطهری» است چیست ؟ : « ... خواندن کتاب روضة الشهدا، خواندن همان کتاب پر از دروغ. از وقتی که این کتاب به دست مردم افتاد، کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرد....»

پاسخ:

نخست این که به گواهی تاریخ و آثار موجود ، مولف کتاب یادشده ، از گوینده این سخنان باسوادتر و داناتر به تاریخ و حدیث بوده است . سپس آن که این سخنان روشنفکرانه ، میراث آغاز دهه ی پنجاه خورشیدی است که رقابتی بس شگفت و شور انگیز مبتنی بر آگاهی کاذب در ارایه ی تصاویر ایدئولوژیک روشنفکرانه ی چپ گرایایانه از دین و مذهب درمیان بود . روشنفکران مذهبی مکلا(به تعبیر خود گوینده سخنان بالا) ،" روضه مارکسیستی" می خواندند و روشنفکر شدگان مذهبی معمم ، برای این که کم نیاورند می کوشیدند تا در مذهب نوآوری کنند و این فرمایش ها از نوآوری های آن روزگار است! کتاب یادشده دارای دو بعد روایی است : اسطوره و تاریخ ! بعد تاریخی آن نه تنها دروغی ندارد بلکه از راست هم راست تر است ! زیرا مولف کتاب ، فقیهی بسیار نکته دان و مجتهد و مرجعی آگاه به حرمت ها بوده و همه ی وقایع را از منابع موجود روزگارش نقل کرده و به جرح و تعدیل اسناد و رجال هم دانا بوده است. ویژگی بی مانند مولف کتاب یادشده که باعث این سوء تفاهمات گردیده ، در آگاهی های ایرانی اوست ! کاشفی مردی به غایت ایرانی و ملی بود و با یادمان قومی ایرانی و ودایع فرهنگی اسطوره ای نهفته درآن ، می زیست و آشنایی تام و تمام داشت که پیش و پس از او هیچ یک از مدعیان آیین دانی را چنین آگاهی هایی نبوده و نیست! آن گونه که در" مقدمه مصحح " گفته ام ، بعد اسطوره ای کتاب ، روایت ایرانی از یادمان قومی خویش است یعنی گرانیگاه پیوند مذهب امامیه و ملیت ایرانی که در آستانه نهضت صفویه ظهور یافت ، به ثمر نشست و به وحدت ملی ، تمامیت ارضی ، احیای فرهنگ ملی واستقلال ایران انجامید .حقیقتی که گوینده سخنان روشنفکرانه فوق و اسلاف و اخلاف او از آن بی خبرند ! بدیهی است که اسطوره

، وقایع نیست تا تاریخ شود ، روح و روان متعالی آریایی هماره به "وقایع" قانع نبوده است زیرا تقدیس آیین و مقدسات آن باید مبتنی بر اسطوره و خرق عادات باشد ، اسوه های تاریخی باید اسطوره شوند تا قداستی مضاعف و جاودانه بیابند ، آریایی به حکمت و کلام و تجربه ، درگذر هزاره ها دریافت که قهرمانان آیینی باید فراتاریخی یا فرازمانی باشند تا ساحت مقدس شان را تاریخ نیالاید! کاشفی مولف کتاب یاد شده این حکمت آریایی را به درستی می دانست از این رو روایتی ملودرام با ویژگی های آریایی آن خلق کرد که جاودانه است ! بدیهی است که این روایت با بینش ایدئولوژیک و تاریخی نگر نمی سازد و دروغ و خرافه جلوه می کند !بینش ایدئولوژیک و تاریخی نگر ، نیاز به قهرمان تاریخی دنیوی دارد از این رو مقدسات اسطوره ای الهام بخش را از عرش به فرش می آورد تا پشتوانه و ابزار قدرت شوند! برای آگاهی بیشتر به مقدمه من بر آن کتاب نگاه کنید!



اَلـدِّراســاتُ الايــرانيِّـــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحث و الكاتب الايرانى

الدكتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH